



عبدالحسین طوطیابی

پژوهشگر کشاورزی

رئیس سازمان محیط زیست در دیدار با نخست‌وزیر و مسئولان محیط زیست و کشاورزی عراق و در جهت همکاری‌های مشترک دو کشور برای رویارویی با بحران ریزگردها، مطالب و ضرورت‌هایی را برشمردند؛ اما نایده‌گرفتن بعضی ریشه‌های کلیدی در گسترش ریزگردها و از آن سو برچسته‌کردن افراق آمیز دیگر عوامل تحت عنوان تروریسم زیست‌محیطی در این سخنان بسیار شگفت‌انگیز بود. سخنانی که بیش از تبیین واقعیت‌ها متأثر از ملاحظات سیاسی درون کشور بود. آقای سلاجقه از جمله اظهار کردند: «ما می‌بینیم گردوغبار که از سوریه بلند می‌شود و کشور ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در مناطقی است که تروریست‌ها در آنجا حاکم هستند و دائم رزمایش‌های نظامی برگزار می‌کنند». او با بیان اینکه حتی در عراق و یمن که ابادی بیگانه حضور دارند، این رد پا را می‌بینیم، گفت: «اینها همه محاسبه شده است و دشمن با استفاده از ظرفیت‌های محیط‌زیستی به جنگ کشورهای منطقه آمده و سعی کرده است با سوءاستفاده از این ابزار، نارضایتی عمومی ایجاد و مردم و کشورها را با مشکل روبه‌رو کند».

اگر سخنان فوق و بدون ذکر نام گوینده در رسانه‌ها انعکاس می‌یافت، شاید به نظر می‌رسید که این شیوه از بیان مواضع شاید در مذاکرات مقامات نظامی یا وزارت خارجه صورت گرفته و به دلایلی پیامدهای مخرب تروریسم منطقه‌ای در عرصه محیط زیستی نیز بیان شده است؛ اما چنین اشاراتی از تریبون متولی سازمان محیط زیست و آن هم با عنایت به مواضع غیرسیاسی مقامات عراقی در این جلسه، دور از انتظار بود. از ریاست سازمان محیط زیست البته انتظار نیست که در چنین نشستی به ذکر عوامل پرشمار داخلی به‌ویژه آنچه با بی‌تدبیری در سال‌های اخیر بر سر اقلیم خوزستان و دیگر کانون‌های زیستی و افزایش ریزگردها آورده‌ایم، اشاره می‌کرد؛ اما فراقکنی ریشه تمام این مشکلات به جریان تروریسمی که در سوریه اتفاق افتاده است، مواضع فنی و علمی ریاست سازمان را به‌شدت متأثر از حساسیت و ملاحظات سیاسی می‌کند. مواضعی که بیش از نمایی از واقعیت‌ها چه بسا به‌متابه آدرسی انحرافی تلقی شود. ای کاش آقای سلاجقه در این گفت‌وگوها بی‌هیچ محدودیتی و حداقل به احداث سدهای پرشمار و

## سیاست‌زدگی در سخنان متولی محیط زیست

عظیمی که دولت ترکیه در خلال چهار دهه گذشته بر سرشاخه‌های دجله و فرات زده است، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین دلایل گسترش بیابان‌زایی در سوریه و عراق اشاره می‌کردند. این سدها ۶۰ درصد از دو هزار میلیارد مترمکعب آب آورده رود دجله را در خود احتکار کرده و آنچه نهایتا به دو کشور عراق و سوریه سرریز می‌شود، کمتر از ۸۰۰ میلیارد مترمکعب است. البته بدیهی بود که ایشان از خشک‌کردن بی‌توجهی هورالعظیم در داخل کشور خودمان سخنی به میان نیاورند. او در ادامه این سخنان و با وجود بزرگ‌نمایی به گفته خود «تروریسم زیست‌محیطی» سرانجام به این مورد اذعان کردند که بعد از عربستان سعودی، عراق با چهار کانون بیشترین مرکز تولید ریزگرد را دارد و سوریه نیز تنها یک کانون تولید گردوغبار دارد که کشور ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. باز هم ای کاش در تداوم این مناسبات، پیامدهای مخرب زیست‌محیطی جنگ هشت‌ساله دو کشور عراق و ایران را که با تجاوز دیکتاتور عراق صورت گرفت، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل بحران زیست‌محیطی کنونی مورد بررسی دقیق و همه‌جانبه‌ای



**گزارشی از تنگنایهای اقتصادی یک برش از جمعیت ایران؛ ۱۰ درصد بیک موتوری‌ها و ۶۰ درصد راننده‌های تاکسی در تهران بازنشسته‌ها هستند**

## بازگشت بازنشسته‌ها به بازار کار



هم دیگر توجیه اقتصادی ندارد و از وضعیت بنزین تا کمک هزینه معیشتی که پرداخت نمی‌شود و طرح ترافیک و ده‌ها مشکل دیگر احاطه‌مان کرده است».

**نکوید افزایش ۵۷درصدی حقوق؛ بکوید حقوق ۵میلیون تومانی!**

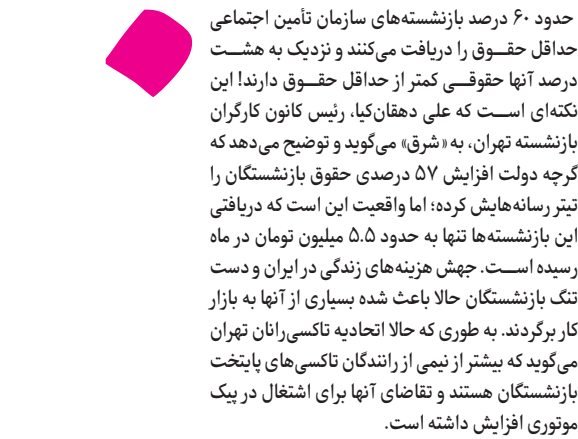
حالا پس از تأخیر حدود سه‌ماهه، حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی برای سال ۱۴۰۱ اعلام شده است. براساس این دولت اعلام کرده که حداقل حقوق بازنشستگان، ازکارافتادگان و مجموع مستمری بازماندگان سازمان تأمین اجتماعی افزایش ۵۷٫۴ درصدی داشته است.

رقمی که در ظاهر بزرگ است؛ اما وقتی به حقوق دومیلیون و ۶۵۰ هزار

تومانی این حداقلی‌بگیران اضافه می‌شود، تازه می‌شود پنج‌میلیون و ۵۸۰ هزار

تومان. عددی بسیار کمتر از هزینه‌های سبد معیشت در سال ۱۴۰۱.

یوسف مرتضایی، عضو شورای هماهنگی کانون‌های بازنشستگی، در پاسخ به این سؤال که چند درصد از بازنشستگان مستاجر هستند و وضعیت نامطلوب معیشتی دارند، می‌گوید: «آمارهای معیشتی بازنشستگان به‌طور دقیق در دست ما نیست. در واقع آمار به‌دست‌آوردن در کشور ما آسان نیست. اگر برای آمار هم اقدام کنیم، با مشکلات خاصی روبه‌رو می‌شویم؛ چون نیاز به بودجه و پژوهش دارد، اما آنچه روشن است، حذف طبقه متوسط در میان جامعه بازنشستگان است. درست مانند بقیه اقشار». او ادامه می‌دهد: «وقتی ارز دولتی حذف می‌شود، تورمی حدود ۴۰ درصد فقط با همین اقدام به جامعه تحمیل می‌شود. با این حال افزایش حقوق بازنشستگان ۱۰ درصد در نظر گرفته شده است. ضمن اینکه انتظار این بود که اگر این ارز حذف می‌شود و فشاری از این جانب به مردم وارد می‌شود، در مقابل برای مثال بازار ارز ما آرام بگیرد، نه اینکه وضعیت آنجا هم بدتر شود. بازنشسته‌ای که در فکر تأمین جهیزیه یا اسباب زندگی فرزندانش است، انتظار داشت با حذف ارز چهار هزار و ۲۰۰تومانی دست‌کم مثلا تلویزیون ۱۰ میلیون تومانی را بتواند ۹ میلیون تومان بخرد، نه اینکه با حذف ارز کالاهای اساسی هم اقلام مهم معیشتش گران شود، هم همان تلویزیون را مجبور باشد ۲۰ میلیون تومان بخرد! او ادامه می‌دهد: این وضعیت موجب شده پس‌اندازی که یک بازنشسته برای مسائل خانگی و درمانی‌اش کنار گذاشته بود، هم بی‌ارزش و هم مصرف شود. وقتی دولت افزایش حقوق بازنشستگان را فقط ۱۰ درصد در نظر گرفته، آنها مجبور می‌شوند بخشی از پس‌انداز‌های‌شان را خرج کنند».



**۶۰درصد بازنشستگان حداقلی بگیر هستند**

کافی است چرخي میان آکهي‌های استخدام سايه‌ها بزیند تا از وضعیت دردناک این روزهای بازنشستگان آگاه شوید؛ از کارگری در فروشگاه مواد غذایی و شرکت‌های نظافتی تا لابی‌من، آبدارچی و نگهبان. اینها از جمله مشاغلی هستند که برای استخدام بازنشستگان آگهی منتشر کرده‌اند. آن هم با حقوق عموما سه تا پنج میلیون تومان. بدتر آنجاست که عمر این آگهی‌ها به یک هفته هم نمی‌رسد و به گفته خودشان، بازنشستگان برای حقوق حداقلی با هم رقابت می‌کنند. علی دهقان کیا، رئیس کانون کارگران بازنشسته تهران، به «شرق» می‌گوید که ۶۰ درصد بازنشستگان حداقلی‌بگیر و حتی حدود هشت درصد هم زیر حداقلی‌بگیر هستند؛ چون سال‌های کمتری سابقه پرداخت حق بیمه داشته‌اند. او توضیح می‌دهد: «وقتی کارشناسان دولت، کارگر و کارفرما پایان سال ۱۴۰۰ سبد معیشت خانوار را حدود ۹ میلیون تومان معین کردند، آن هم برای حداقلی‌ترین وضعیت، بازنشسته‌ای که دومیلیون و ۶۵۰ هزار تومان حقوق می‌گیرد، این فاصله را چطور باید پر کند؟ طبیعتا مجبور است بازگردهد به بازار کار. از چهار میلیون بازنشسته ما حدود دومیلیون و ۴۰۰ هزار نفر حداقلی‌بگیر و نزدیک ۷۰۰ هزار نفر هم زیر حداقلی‌بگیر هستند».

**۶۰درصد تاکسی‌های تهران در رکاب بازنشستگان**

بازگشت بازنشستگان به بازار کار هم گرفتاری‌های خاص خود را دارد. گواه این ادعا سخنان حسن پورناظری، یکی از اعضای انجمن تاکسی‌رانان تهران است که به «شرق» خبر می‌دهد حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد همکاران تاکسی‌رانش بازنشسته هستند! او می‌گوید که بیشتر همکارانش بازنشسته‌های بخش‌های مختلف با حقوق‌های حداقلی هستند، ولی این شغل هم این روزها جز زیان چیزی ندارد. پورناظری توضیح می‌دهد: «کرایه‌ها ۲۵ درصد بالا رفته؛ ولی هزینه‌ها چند صد برابر شده است. وضعیت خودروها هم که افتتاح است. حتی اگر امروز هم خودروی نو بخرید، بعد از شش ماه نیاز به تعمیرات ارد. او ادامه می‌دهد: ضمن اینکه خودروی بسیاری از بازنشستگان فرسوده است و آنها توان نوسازی تاکسی خود را ندارند و باید گفت که مشکلات این قشر یکی، دوتا نیست…».

**بازنشستگان بیک موتوری شده‌اند!**

بخشی از بازنشستگان هم بیکم موتوری شده‌اند. داود محمدی، رئیس اتحادیه حمل‌ونقل بار سبک شهری و بیک موتوری تهران نیز از افزایش تقاضای بازنشستگان برای اشتغال بیک موتوری می‌گوید. او در گفت‌وگو با «شرق» اعلام می‌کند که حدود ۱۰ درصد از شاغلان این صنف بازنشستگانی هستند که برای گذران زندگی مجبور به این فعالیت شده‌ند. با این حال وضعیت‌شان در این صنف اصلا خوب نیست. محمدی می‌گوید: از زمان کرونا حدود ۴۰ درصد اعضای صنف ما ریزش داشتند؛ چون کار در این صنف

## جامعه حال خوش می‌خواهد

**ادامه از صفحه اول**

حال، اگر حس شادی یا ناشادی تداوم داشته باشد، می‌تواند به موضعی مرضی هم تبدیل شود. نبود حال خوب و حس شادی، نه فقط به افسردگی فردی دامن می‌زند و رفته‌رفته آن را گسترده کرده، فرد را نسبت به آینده بدبین و ناامید می‌کند. خلایقت‌های فردی را تحلیل می‌برد و در روابط بین فردی اختلال ایجاد می‌کند، بلکه در صورت تبدیل‌شدن بدحال و فقدان حس شادی به امری بین فردی و امری اجتماعی، فسردگی جامعه را به همراه دارد و تعمیق می‌بخشد و به بدبینی و ناامیدی دامن می‌زند و امید به زندگی را کاهش می‌دهد.

وقتی به شرایط کنونی جامعه ایران می‌نگریم و به حال و روز خودمان و اطرافیان‌مان و مردم کوچ و بازار نگاهمی‌می‌اندازیم، به‌راحتی درمی‌یابیم که هم خودمان و اطرافیان‌مان و هم مردم کوچ و بازار حال چندان خوشی ندارند. مطالعات علمی درباره جامعه ایران نیز همین حس درونی ما را به تصویر می‌کشند.

قرار بگیرد. هشت سالی که خوزستان زرخیز را به میدان جنگی خونین تبدیل کرده و فرصتی برای ناهمسایگانی فراهم آورد تا در این آتش ناخواسته برای خود آب ذخیره کنند. بدون تردید بررسی منصفانه اثرات زیست‌محیطی این جنگ هشت‌ساله نیز می‌تواند عبرتی ماندگار باشد که این دو کشور بار دیگر در دام خصومت‌های مرزی قرار نگیرند. خصومت‌هایی که رد پای جهان‌خواران چه‌بسا برجسته‌تر از مزدوران داعش دیده می‌شود. البته اگر همراه آقای سلاجقه اندکی از میز چنین مذاکراتی دور شویم، قطعا در نجوابی به همدیگر خواهیم گفت آنچه خودمان در پنج دهه اخیر با بی‌تدبیری و درک اشتباه از مفهوم توسعه توسط دستگاه‌های اجرایی بر سر بستر حیات خود آوردیم، به مراتب بیش از بحران‌های وارداتی از آن سوی مرزها بوده است. به منظور برون‌رفت از بحران‌های زیست‌محیطی موجود باید به آسیب‌شناسی واقع‌گرایانه پرداخته و باور کنیم که تنها نگاه به آن سوی مرزها جز خودفریبی و تکرار آدرس‌های اشتباه، دستاوردی نخواهیم داشت.



**یادداشت**

### میزها مقصرند؟!



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

۱- بین این‌ور میز و آن‌ور میز در کشورمان دره‌ای ژرف است و حیرت‌انگیز: مسئولی که ممکن است تا چند روز و ماه پیش در آن‌ور میز دستوراتی داده و براساس آن اقداماتی صورت گرفته، وقتی از آن سمت و پشت آن میز کنار می‌رود و در قالب یک شهروند فاقد سیمت و میز و صندلی و در قامت کارشناس به اظهارنظر درباره همان موضوع می‌پردازد، گاه سخنانی بیان می‌کند که شباهتی با نظرات او در دوران مسئولیتش ندارد. در خبری که به‌تازگی اتاق بازرگانی از یکی از جلسات کمیسیون «کسب‌وکار» خود منتشر کرده، رئیس سابق سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان به نقد سیاست قیمت‌گذاری پرداخته و از جمله گفته است: «در شیوه قیمت‌گذاری، اثر بهره‌وری در قیمت مورد توجه قرار نمی‌گیرد و متعاقب این‌ رویه، بنگاه نیز به دلیل زیان‌هایی که متحمل می‌شود، به دنبال کاهش قیمت نمی‌رود. این یکی از مشکلات شیوه قیمت‌گذاری در کشور است» (رسانه‌ها ۱۴۰۱۰۳۰۱). این نقد ایشان ظاهرا مورد توجه سایر اعضای حاضر در جلسه که عمدتا فعالان بخش خصوصی‌اند قرار می‌گیرد، به طوری که پیشنهاد ایشان مبنی بر تهیه «پیشنهادی برای حذف قیمت‌گذاری دستوری با ادبیات دولت» مورد استقبال اعضا قرار گرفته و تصویب می‌شود.

۲- «مراقبت از لانه مرغان را به روباه نسپارید»، عبارتی است که جیمز بوکانان اقتصاددان برجسته پس از دریافت جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۸۶ در توضیح «نظریه انتخاب عمومی» که به خاطر آن، این جایزه را کسب کرده بود، می‌گوید. نظریه انتخاب عمومی به گفته بوکانان نشان می‌دهد افرادی که عضو یک سیستم هستند، دقیقا مانند اعضای اعضای خانوار یا بنگاه عمدتا براساس منافع شخصی خود عمل می‌کنند. او انتخاب عمومی را «شیوه‌ای خاص برای نگاه به ساختار تصمیمات سیاسی» عنوان می‌کند و ابعاد سیاست‌گذاری بودجه را مثال می‌زند و موضوع تحلیل کسر بودجه را پیش می‌کشد که سیاستمداران به خاطر حفظ مقام خود وعده‌هایی برای کاهش مالیات‌ها یا انجام پروژه‌ها… به راهی‌دهندگان می‌دهند. او مشکل «بزرگ‌شدن دولت‌ها» را مشکل بزرگ دوران ما می‌داند و معتقد است باید قوانین و ساختارها را در راستای حل این مشکل تغییر داد.

۳- در کشورمان دولت نقش اصلی و غالب را در اقتصاد دارد. غلبه‌ای که خود را در قالب دو الگوی «خودکفایی» و «جایگزینی واردات» نشان داده. و منجر به درون‌گرایی و تمرکزگرایی شدید اقتصادی طی دهه‌ها شده است. این روند از ابتدای دهه ۵۰ آغاز می‌شود که دولت‌ها به بهانه کنترل تورم، قیمت‌گذاری کالا و خدمات و رفتارهای تعزیراتی را در کشور در پیش گرفتند و با ایجاد نهادهای مربوط به آن مانند سازمان حمایت و تعزیرات حکومتی، امکان تعیین آزادانه قیمت محصولات را از بنگاه‌ها براساس عرضه و تقاضا سلب کردند. روندی که به شدت و حدت همچنان ادامه دارد و آن چنان بر ذهن و جان سیاست‌گذار غالب است که حتی آنجا که قرار است به‌اصطلاح «جراحی اقتصادی» هم صورت گیرد، چیزی جز سفت و سخت‌تر شدن همان سازوکار ضد تولید قیمت‌گذاری و تعیین قیمت چند کالا در مداری بالاتر از آب درنمی‌آید («برنامه مشترک سه وزارتخانه برای مقابله با گران‌فروشی»، رسانه‌ها، ۱۴۰۱۰۲۲، ۱۴۰۱۰۲۲ و هشدار مخبر به «سوءاستفاده‌کنندگان و گران‌فروشان» ۱۴۰۱۰۲۰۲۶ و…).

سرآغاز هر تحولی در اقتصاد تعیین نقش و جایگاه دولت است و تا تکلیف این موضوع روشن نشود هر اقدامی بی‌معنا یا بسیار کم‌حاصل است. سؤالی که البته پاسخ آن حتی در کشورمان بیش از یکی، دو قرن است روشن است؛ اما سیاست‌مداران آن چنان که بوکانان اشاره می‌کند، به آن تن نمی‌دهند «دولت سه وظیفه دارد: اول- حفظ استقلال ملی، دوم- حفظ حقوق جانی و سوم- حفظ حقوق مالی. خارج از این سه عمل هیچ تکلیفی بر دولت وارد نیست…» (رساله‌ها، میزرا ملکم‌خان). درمورد قیمت‌ها چنان‌که به‌تازگی نیز عنوان شد، آنچه وظیفه دولت است، نه کنترل قیمت‌ها در سطح خرد، بلکه کنترل سطح عمومی قیمت‌ها در سطح کلان و از طریق کنترل رشد نقدینگی است. درواقع دولت باید با رهاسازی قیمت کالاها در سطح خرد و سازوکار بازار اجازه تنظیم مجدد قیمت‌های نسبی را دهد و در سطح کلان با کنترل حجم نقدینگی، اقدام به کاهش تورم کند. (نیلی، ۱۴۰۱۰۲۰۳). امروز «تورم» به‌عنوان پدیده‌ای پولی و ناشی از رشد نقدینگی و کسری بودجه دولت‌ها و سازوکار تثبیت و کنترل قیمت‌ها در اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان حتی کشورهای جنگ‌زده و فقیر رخت بریسته است و کشور ما شاید تنها اقتصاد دارای تورم دورقمی و بالا در چند دهه اخیر در جهان است. تا این واقعیت بدیهی درک و پذیرفته نشود، هر فشار و تهدید و تعزیری جز نامنی بیشتر فضای اقتصادی ثمری ندارد! دولت‌ها باید بی‌پذیرند که به قول بوکانان: «انسان‌ها نه زنبور‌هایی هستند در کندو، نه جانورانی درنده در جنگل، نه فرشتگانی در آسمان. انسان‌ها واحدهایی‌ذی‌شعور هستند قادر به نسبت‌دادن ارزش به چیزهایی بدیل، قادر به انتخاب بین آنها و قادر به کنش براساس آن ارزش‌ها… . انسان‌ها باید براساس قواعدی زندگی کنند که قادرند خود انتخاب‌شان کنند». سخنان مسئول سابق کنترل قیمت‌ها نشان می‌دهد خوشبختانه حداقل بخشی از مسئولان دولتی دست‌اندرکار این سیاست‌ها، زبان‌باریودن اقدامات خود را به لحاظ ذهنی پذیرفته‌اند و این میزها هستند که مقصرند و قرارگرفتن در پشت آنها سبب تغییر ماهیت افراد می‌شود، پس به نظر میزها (بخوابید و وظایف دولت‌ها) را باید اصلاح کرد!

یکی از این عوامل میزان اعتماد به دولت است. ۵۷٫۶ درصد از کسانی که احساس خوب و خوشی نداشتند، به دولت هم بی‌اعتماد بودند. از آن سوی، ۵۶٫۲ درصد از کسانی که احساس خوب و خوشی داشتند، اعتماد خود را به دولت هم بیان کردند. به خوبی می‌توان دریافت کسانی که به دولت اعتماد ندارند، کمتر احساس حال خوب و خوش دارند. این در صورتی است که در همین پیمایش تنها ۱۹۰۱ درصد به دولت اعتماد بسیار زیادی داشتند و در مقابل، ۲۹٫۶ درصد اصلا اعتماد ندارند. علاوه بر این ۳۳ درصد اعتماد زیاد داشتند و ۱۸٫۲ درصد اعتماد چندانی نداشتند؛ بنابراین هرچه دولت بتواند سرمایه اجتماعی خود را افزایش دهد و میزان اعتماد جامعه را به خود بالا ببرد، می‌تواند در بازتولید احساس خوب و خوشی در جامعه نقش ایفا کند. احساسی که امید جامعه را نسبت به آینده تقویت می‌کند و نشاط اجتماعی را افزایش می‌دهد. نیازی به گفتن نیست، جایی که مردم احساس کنند اقدامات دولت، زندگی فردی و اجتماعی آنان را تهدید و تحدید می‌کند، از این اعتماد و سرمایه کاسته خواهد شد.